

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## بحران توزیع قدرت رهبری سیاسی بمثابه غائله انتخاباتی "دیدگاه بینابینی" و طرزنگاه تعادل گرا و همه جانبه گرا نسبت مستقیم پدیده‌های اجتماعی در سطحی گسترده

مؤلفه قومی و همخوانی هنجارهای سیاسی - اجتماعی  
استمرار و نوآوری سیاست ایالات متحده در کشورما  
موضعگیری نخبگان سیاسی در قبال جنگ و صلح  
انتخاب اخلاقی در مجموعه تحولات سیاسی کشور

طبق بررسی‌های انجام شده، نظام سیاسی نظامی است که بامور سیاسی و دولتی می‌پردازد. این نظام اغلب با نظام حقوقی، نظام اقتصادی، نظام فرهنگی و سایر نظام‌های اجتماعی مورد مقایسه قرار می‌گیرد. البته این دیدگاه بسیار ساده‌ای از یک نظام بسیار پیچیده‌تر است که به مقوله‌هایی از این قبیل می‌پردازد که چه کسی باید در مصدر قدرت باشد، مسایل و امور مذهبی چگونه باید مدیریت شوند و دولت چه تأثیری بر مردم و اقتصاد داشته باشد. چندین تعریف از نظام سیاسی وجود دارد:

- یک نظام سیاسی، مجموعه کاملی از نهادها، گروه‌های ذینفع و ارتباط میان آنها می‌باشد؛
- یک نظام سیاسی از مجموعه گروه‌های اجتماعی تشکیل شده که دارای قدرت می‌باشند؛
- یک نظام سیاسی نظامیست که ضرورت‌ها را دارای مشخصه‌های دوگانه می‌باشد؛
- نظام سیاسی مفهومیست که از لحاظ نظری بروشی از حکومت اطلاق می‌گردد که به سیاستگذاری و سازماندهی آن همت می‌گمارد؛
- یک نظام سیاسیست که حفظ نظم و یکپارچگی را در جامعه تضمین مینماید؛
- نظام سیاسی یا حکومتی از مجموعه‌ای از ترکیبات تشکیل یافته است.

در نخست، قبل از طرح کلی‌ترین مسایل مربوط، باید متذکر گردید که از جمله پنج انتخابات ریاست جمهوری کشور از سال ۱۳۸۰ بدینسو، تنها انتخابات اخیر بمثابه یک مورد بحث برانگیز پنداشته شده که در نتیجه، سه انتخابات قبلی یا وارد بحران گردیده و یا بنحوی و بشکلی از اشکال به توزیع قدرت انجامیده است. نتیجه انتخابات سال ۱۳۸۸ توسط عبدالله پذیرفته نشده و طرف مقابل (حامد کرزی) را به کلاهبرداری و تقلب در انتخابات یاد شده متهم نمود. انتخابات سال ۱۳۹۳ که در نتیجه آن غنی بمثابه برنده اعلام گردید که باز هم با مخالفت عبدالله مواجه گردیده و اما با پادرمیانی وزیر خارجه ایالات متحده، حکومت "وحدت ملی" تشکیل و ایجاد گردید. سومین انتخابات که طی ماه سنبله سال قبل انجام گردید، مجدد میان رقبای انتخاباتی (غنی و عبدالله)، نوعی از مشارکت در قدرت سیاسی مطرح بحث قرار گرفت. در نتیجه، پس از گفتگوهای طولانی مدت، اشرف غنی بمثابه رئیس جمهور و عبدالله نیز بمثابه رئیس جرگه صلح و مصالحه و اختصاص پنجاه درصدی قدرت سیاسی، رسماً بکار آغاز نمودند.

با وجود هم‌ردیف گردیدن انتخابات سال ۱۳۹۳ با انجام کلاهبرداری و فساد، اما منتج به تشکیل حکومت وحدت ملی گردیده و این در تاریخ کشور ما برای نخستین مرتبه بود که انتقال قدرت از یک حکومت به حکومت دیگر

بگونه صلح آمیز و بمتابیه انتقال و عملکرد بی سابقه عنوان گردید. همچنان بگونه بی سابقه ای، تکنوکرات آموز ش دیده و تحصیل کرده در غرب بمتابیه رئیس جمهور کشور انتخاب گردید. همشهریان کشور ما امیدوار بودند که شخص رئیس جمهور انتخاب شده، بدون مناسبت فردی و با استفاده از تجربه کاری خویش، از تکرار اشتباهات دولت های ناکام و شکست خورده جلوگیری بعمل آورده و در بهترین حالت، بمنظور ایجاد و استقرار صلح و توسعه اجتماعی کشور دست بکار شود. اما متأسفانه که آنها (غنی و عبدالله) با ضد و نقیض گویی های شان، اصل حکو متداری و دولتمداری در کشور را با معضلات بیشماری مواجه نموده و سبب بی اعتمادی همشهریان کشور گردیدند. با سیری به چشم انداز و دورنمای کشور و تشکیل حکومت وحدت ملی باید متذکر گردید که قبل از پیدایش آن، وضعیت امنیتی نسبتن آرامی در کشور حاکم بوده، تهدید جدی از جانب مخالفان مسلح متوجه کشور نگردیده و وضعیت اقتصادی کشور نیز در حالت بهتری قرار داشت.

قابل یادآوری پنداشته میشود که طی سال ۱۳۹۳ بخشی از نظامیان امریکایی اراضی کشور ما را ترک نمودند. در نتیجه طی دوره موجودیت حکومت "وحدت ملی" در کشور، "طالب"ها قادر گردیدند تا مناطق تحت تسلط شان را گسترش بخشیده، بخش های بیشتری از اراضی کشور را تحت اداره خود قرار داده و تهدیدهای مستقیمی را علیه حاکمیت سیاسی کشور بوجود آورند. در شرایط و وضعیت کنونی، بویژه پس از سال ۱۳۸۰ بدینسو، آنها بر بیشترین بخش های اراضی کشور تسلط دارند. در طول مدت زمان یادشده، تعداد بیشماری از افراد ملکی و نیروهای امنیتی کشور از زندگی ساقط گردیده و نبردها و زدوخوردهای مسلحانه نیز سیر و با افزایش اختیار نمود. اشرف غنی، رئیس جمهور کشور در مصاحبه ای طی سال پارا اعتراف نمود که از سال ۱۳۹۳ بدینسو، بیش از ۴۵۰۰۰ تن از نیروهای امنیتی کشور، زندگی شان را از دست دادند. حکومت "وحدت ملی" همچنان از مهاجران ت هزاران تن از افغان ها به کشورهای دیگر و آواره گردیدن در حدود ۱,۱۷۴۳۰۶، از مهاجران داخلی در حدود ده کشور خبر داد. مطابق گزارش های تائید شده توسط منابع مؤثق حکومت "وحدت ملی"، تعداد هموطنانی که زیر خط فقر زندگی می نمایند از ۳۸ درصد به ۵۵ درصد افزایش یافته است. حکومت "وحدت ملی" که هدف عمده اش را تحقق آرمانهای همشهریان بمنظور ایجاد صلح، ثبات، امنیت، حاکمیت قانون، تأمین عدالت و رشد اقتصادی و ارائه خدمات می پنداشت، در طول مدت زمان حاکمیتش، ناامیدی ها و نارضایتیهای بیشمار همشهریان کشور را سبب گردید. درگیریهای داخلی در کشور، فساد در دستگاه اداره دولت و همزمان با آن موجودیت خشونت ها، اصلاحات انتخاباتی، سازماندهی و تشکیل حکومت "وحدت ملی"، همه و همه، از اعتبار حاکمیت سیاسی در کشور کاسته و مطابق بررسیها و مطالعات انجام پذیرفته، باعث شده باشند که کشور به دموکراسی و نهاد های حکومت "وحدت ملی"، خدشه وارد گردیده و روزتا روز به شکاف و فاصله میان دولت و مردم، بگونه وحشتناکی افزوده شد.

با این حال، با موجودیت حکومت "وحدت ملی" و درسهای مهمی که از آن آموختیم، می توان با استفاده از آنهمه تجارب و دستاوردها، از تکرار اشتباهات گذشته و قبلن تکوین پذیرفته جلوگیری بعمل آورد. در مورد حاکمیت کنونی در کشور باید یادآور شد که با توافق پسین در عرصه چگونگی توزیع قدرت، میتوان میکانیزم نظارت از چگونگی عملکردهای حاکمیت سیاسی کشور را معین و مشخص نمود.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که طی سال ۱۳۹۳، انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی در کشور انجام پذیرفت که در نتیجه اشرف غنی بمتابیه رئیس جمهور و عبدالله هم بمتابیه رئیس اجرایی حکومت "وحدت ملی" برگزیده و انتخاب گردیدند. چگونگی وضعیت و ایجاد بن بست سیاسی، عدم اطمینان شهروندان کشور را در مورد آینده دولت بیار آورد.

بمنظور سهمگیری و مشارکت بیشتر هموطنان کشور در انتخابات، دولت به قول خود در مورد اصلاحات انتخاباتی که در توافقنامه سیاسی پیشبینی شده بود، باید عمل می کرد. آنچه شهروندان کشور ما آرزو مندند، نه عزل و نصب مسؤلان انتخابات، بلکه اصلاحات واقعی و همه جانبه در اصول و اساسات انتخابات می باشد.

همچنین این مهم است که انتخابات شوراهای ولسوالی ها و انتخاب شهردارها را مطابق آنچه در توافقنامه تصریح شده بود، انجام دهند. شوراهای ولسوالی ها، سهم لویه جرگه بمنظور تصویب معامله احتمالی با "طالب"ها را مشخص خواهد نمود. انجام انتخابات شهرداریها، ارائه خدمات را بگونه ای بهبود بخشیده و زمینه را برای عدم تمرکز قدرت فراهم خواهد نمود.

در مورد همکاری متقابل بایست خاطر نشان گردد که در واقعیت امر، در تمامی دوره حکومت "وحدت ملی"،

بویژه طی دو سال نخست، تمامی اعضای حکومت موفق باخذ رأی اعتماد از مجلس نمایندگان کشور نگردیدند. در بدل رأی اعضای مجلس نمایندگان، مبالغ هنگفت رشوه بآنها پیشنهاد می گردید. اما حکومت کنونی از چنین فرصتی برخوردار میباشد تا با مجلس نمایندگان روابط کاری ایجاد نموده و از آن طریق بتواند، مجلس یاد شده را بمثابة متحدی برایش تبدیل نماید.

با در نظر داشت درس ها و تجربیات بدست آمده و توجه بآنها سبب جلب اعتماد هموطنان به دموکراسی شده و ما نع بحران سیاسی دیگر در کشور گردیده و از فروپاشی کشور جلوگیری بعمل خواهد آمد. نباید فراموش خاطر ما گردد که باتوافق و تعامل پسین میان غنی و عبدالله اختلافات و تضادهایی در مجموعه دسته انتخاباتی "ثبات و همگرایی"، بیش از هر زمان دیگر بمشاهده می رسد. عبدالله در نتیجه فشارهای بین المللی به توافقاتی با غنی تن داده که در نهایت امر، نامبرده علاوه بر متعهد شدن مسؤلیت پست ریاست شورای مصالحه، از در اختیار داشتن ۵۰ درصدی کرسی های دولتی نیز مستفید می گردد. اما باید خاطر نشان گردد که قبل از همه و پیش از عملی گردیدن توافقات، اعضای جبهه "ثبات و همگرایی" بجان هم افتاده و وارد فاز کش و گیر حیرت آوری گردیده اند.

اما جمعیت اسلامی، پذیرش و تائید توافق حاصله میان غنی و عبدالله را بمثابة چشم پوشی از اهداف و آرمانهای انتخاباتی اش تلقی نموده و به موارد کمتر و اندکتر از دستیابی به کرسی صدارت قانع خواهد گردید. مسأله فوق سبب چند دستگی و انشعاب در حلقات رهبری جمعیت گردیده است. بر همین بنیاد، جمعیت اسلامی طرحی را به رهبری "ثبات و همگرایی" فرستاده که هرگونه توافقی بدون دستیابی جمعیت به مقام صدارت کشور، مردود شمرده می شود. بر بنیاد طرح یادشده، کریم خلیلی همچنان بکارش در پست ریاست شورای صلح ادامه داده، معاونیت سر قوماندانی اعلاای قوای مسلح به مارشال دوستم واگذار گردد. در کنار اینکه طرح یادشده بمشکل مورد پذیرش غنی قرار خواهد گرفت، بلکه عبدالله نیز چنین طرحی را دست نیافتنی پنداشته است.

قابل یادآوری پنداشته می شود که درگیری های درونی میان اعضا و رهبری تیم "ثبات و همگرایی"، شرایط را بیش از پیش برای اعضا و رهبری دسته متذکره دشوار نموده است. چند دستگی و گوناگونی نظریات و اتخاذ موقف ها و موضعگیری های متفاوت، تداوم مبارزه آتی با غنی را بیش از پیش با موانعی مواجه نموده است. چنین سروصدهایی نیز بگوش می رسد که پس از توافق پسین میان غنی و عبدالله، بیشتر از یک رئیس جمهور در کشور وجود نخواهد داشت. پس از توافق عبدالله مبنی بر پذیرش ریاست شورای مصالحه، می توان گفت که ممکن غائله انتخاباتی رفع گردیده و تفاوت دیدگاه در شیوه و نحوه حکومتداری نیز جاییش را با اتخاذ موقف واحد و تعیین جایگاه رهبری کشور داده و مطابق اصول و اساسات حقوق بین الدول خصوصی، مناسبات و نحوه ارتباط شهروندان با حاکمیت سیاسی کشور نیز معین و مشخص گردد.

پس از انتخابات پسین ریاست جمهوری در کشور، غنی و عبدالله که هر کدام خویش را برنده انتخابات میپنداشتند، بگونه همزمان و موازی با هم با اجرای مراسم حلف وفاداری مبادرت ورزیدند. اما بر مبنای آخرین توافق، غنی بمثابة رئیس جمهور بکارش ادامه داده و عبدالله نیز ریاست شورای مصالحه را در کشور عهده دار گردید. بدینتر تیب می توان گفت که با حصول توافق سیاسی، توازن قدرت در کشور از قوه بفعال مبدل گردید. مطابق اطلاعات داده شده توسط "رویترز"، ملاقات و گفتگوهای یادشده میان غنی و عبدالله عمدتاً بر تعیین و مشخص شدن ساحه و معیار تأثیرگذاری آندو بر امور حکومتداری کشور متمرکز بود.

در صورت آغاز مذاکرات میان افغانی، عبدالله ریاست هیأت مذاکره کننده افغانی را بر عهده خواهد داشت. عبدالله در تویترش نوشت که توافق حاصله بمثابة گام مهمی در راستای تأمین صلح و ایجاد مصالحه و دفاع از حقوق شهروندی در کشور پنداشته می شود. نامبرده ادامه داده افزود که بمثابة ملت واحدی باید وارد تعاملات سیاسی شده و در تطبیق عملی تصامیم اتخاذ شده با قاطعیت اقدام نمود. غنی نیز تفاهم بدست آمده اخیر را بمثابة تصمیم منطقی و روز امضای آنرا بمثابة روز تاریخی برای مردم کشور محسوب نموده و اظهار داشت که افغان ها قبل از همه، منافع ملی کشورشان را بر سایر موارد موجود ترجیح داده و بآن ارزش و اهمیت منحصر بفردی قائل میباشند. اختلافات و ضد و نقیض گوییهای قبل از توافق موجود، کاسه صبر امریکاییها رانیز لبریز نموده بود. غنی و عبدالله حتا پس از سفر وزیر خارجه ایالات متحده به کابل، نیز موفق بحل و فصل اختلافات شان نشده بودند. یکشنبه ۲۵ ماه جوزای سال ۱۳۹۹ خورشیدی